

قدم در راه اولیاء

برای ورود به راه اولیاء ابتدا باید راه اولیای الهی را بشناسیم. این راه هم شناختنی است و هم رفتنی. همراهان ما هم مشخص است؛ یعنی هم راه ما مشخص است، هم همراه ما. به ما گفتند: اگر شما راه راست رفتید، راهی که انبیاء آن راه را هدایت کرده اند، در این قافله و در این اردو با آنها همسفرید. اینکه ما در نمازهای یومیه، با قرائت سوره مبارکه فاتحه الكتاب به خدای سبحان عرض می کنیم: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾^۱، این «انعمت علیهم» را قرآن کریم در چند جا، مخصوصاً در سوره مبارکه نساء مشخص کرده است. فرمود: ﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾^۲. این گروه هستند که می توانند در این راه، وارد شوند؛ این گروه همراهی ما را نیز به عهده دارند. اینچنین نیست که هر کسی در این راه به فکر خودش و راه خودش باشد. در پایان آیه هم می فرماید؛ آنها رفقای خوبی اند. اگر ما به دلیل کم بودن زاد و توشه ای که فراهم نموده ایم، نتوانیم این راه را آنگونه که شایسته است بیماییم، آنها این نقص ما را ترمیم خواهند کرد؛ زیرا معنای حسن رفاقت همین است. فرمود: ﴿وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾. پس این راهی که بیمودن آن به ما سفارش شده است، همان راهی است که انبیاء، اولیاء، صدیقین و شهداء در آن گام نهاده اند.

۱. سوره حمد، آیات ۶ و ۷.

۲. سوره نساء، آیه ۶۹.

زاد و توشه سفر آخرت

چنانچه روشن است، سفر (آن هم یک سفر طولانی) بدون زاد و راحله امکان پذیر نخواهد بود. «زاد» یعنی آنچه را که انسان می خورد و می آشامد، «راحله» یعنی مرکب. این راه آنچنان طولانی است که نمی شود، پیاده و پابرهنه رفت. لذا یک راحله می خواهد. توشه و زاد این راه همین تقواست که فرمود: ﴿تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾^۱.

اما راحله این راه، یعنی مرکب این راه «محبت» است. آنکه دوست خاندان عصمت و طهارت است، یک مرکبی دارد؛ و آنکه با تقواست، یک توشه ای دارد. این توشه اگر کم بود، آن رفقا تأمین می کنند. این راحله اگر لنگ بود، آن رفقا جبران می کنند.

بنابراین ما اگر بتوانیم وارد این راه بشویم و چند قدم را طی کنیم، بقیه راه را می توانیم بر روی کمک این رفیقان حساب کنیم، زیرا آنها رفقای خوبی هستند، اینها نیز ما را رها نمی کنند، تا اینکه به «دارالقرار» برسیم.

چگونگی رسیدن به آرامش پایدار به واسطه القای پروردگار

انسان با مردن به «دارالقرار» وارد نمی شود. اینکه در قبرها و لوح های قبر می نویسند «آرامگاه»، به این معنا نیست که آنجا آرامگاه واقعی است. بلکه مسیر و سرپل است، یا به نحوی می توان آنجا را سکوی پرواز دانست. از همین رو هیچ کس در قبر آرام نیست، بلکه دارالقرار جای دیگر است. انسان باید اینقدر این راه را طی کند تا به لقاء الله برسد، ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۷

كَذْحًا فَمُلَاقِيهِ^۱». این «کادح»، میلیون ها درجه را به همراه دارد تا به «مُلاقیه» برسد. وقتی به لقای خدا بار یافتیم، آنجا «دارالقرار» است. اگر فرموده است: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۲، بدین معنا است که ذکر خداست که انسان آنجا می آramد. به عبارتی تا دل به طمأنینه نرسد، انسان به دارالقرار نمی رسد.

اگر کسی مضطرب باشد نمی توان گفت که به دارالقرار رسیده است. اما ما چه بخواهیم، چه نخواهیم در نوسان و اضطراب و تلاش و کوشیم. اگر به لقای او رسیدیم، آرام می شویم. اگر آرام شدیم، دارالقرار ما آنجاست. این ذوات قدسی، مخصوصاً وجود مبارک رسول گرامی (ص) و امام صادق (ع) هرگز ما را رها نمی کنند. فرمودند: شما با ما باشید، ما رفقای خوبی هستیم؛ اینچنین نیست که شما را رها بکنیم! اگر شما هم بر فرض ما را رها کردید، ما شما را رها نمی کنیم.

قرآن کریم به ما می گوید؛ راهی را بروید که در آن رفقای خوبی همراه شما باشد، زیرا این رفقا نمی گذارند شما بیراهه بروید یا در راه بمانید، ﴿وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾. اگر راه دیگری رفتید، آنجا راه سب و لعن و طرد است؛ ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾^۳ هر راهی، غیر از این راه را بروید، یکدیگر را لعن می کنند. از همین رو در مورد جهنم می فرماید: ﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا﴾^۴.

بنابراین اینطور نیست که اهل جهنم کاری به یکدیگر نداشته باشند، در آنجا نیز همدیگر را لعن می کنند. یعنی از هر جهت در عذابند. ولی در راه بهشت هر وقت ما، از حیث توشه یا راحله، دچار نقص و

۱. سوره انشقاق، آیه ۶.

۲. سوره رعد، آیه ۲۸.

۳. سوره زخرف، آیه ۶۷.

۴. سوره اعراف، آیه ۳۸.

کمبودی شویم، آنها ترمیم می کنند؛ ﴿وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾.

البته ممکن است این سؤال برای ما مطرح باشد که چگونه ممکن است که ما با پیغمبر (ص) یا اومه طاهرین (ع) همسفر باشیم؛ چراکه آنها انسان های عرشی اند. پاسخ این است که درست است که آنها انسان های عرشی هستند؛ اما به دلیل وسعت راه و فراگیری کرم و رحمت آنها، همه را در بر می گیرد. راه قرب الهی آنچنان گسترده است که در مورد آن فرمود: ﴿عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ﴾؛ مساحت این راه به اندازه کل نظام کیهانی است. این نظام کیهانی نیز آنقدر وسیع است که خدای سبحان فرمود: یک بخش آن را شما می بینید؛ اما یک بخش دیگرش برای شما دیدنی نیست؛ ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ * وَ مَا لَا تُبْصِرُونَ﴾^۱. اینکه در روایات مربوط به بهشت دارد که مؤمن در قیامت، منزلش به قدری وسیع است که اگر همه اهل دنیا مهمان او بشوند، جا دارد؛ یعنی الان اگر ۷ میلیارد بشر روی زمین زندگی می کنند، و یک مؤمن انشاء الله بخواهد این ۷ میلیارد را پذیرایی کند، می تواند. یک چنین خانه ای است. آن وقت چنین راهی زیر پوشش این بزرگواران است و انسان اگر در راه بماند، آنها ترمیم می کنند.

تبعیت از «احسن الاقوال»، شرط ورود به راه اولیاء

اکنون باید این مطلب را بررسی نماییم که شرایط ورود به این راه چیست؟ ذات مقدس رسول گرامی (ص) فرمود: شما حرف ها و مکتب ها و آراء گوناگون را بشنوید، اما بهترین آنها را انتخاب کنید؛ ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾^۲ این پیام خداست و کاملاً روشن است و هیچ ابهامی

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۳۳

۲. سوره حاقه، آیات ۳۸ و ۳۹

۳. سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸

و اجمالی ندارد. به ما بگوید: خودتان بروید، بگردید؛ «احسن الاقوال» را پیدا کنید. بعد فرمود: اگر من را قبول دارید به عنوان اینکه ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾^۱، و ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾^۲، من به شما می گویم که «احسن الاقوال» قول و منطق کسی است که مردم را به الله دعوت می کند؛ ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾^۳؛ این هم صغرای قیاس، آن هم کبرای قیاس.

در سوره زمر فرمود: به دنبال «احسن الاقوال» بروید، در این سوره فرمود: «أحسن الأقوال»، قول، سیره، منطق، گفتار و رفتار رسول اکرم (ص) است. رسول خدا نیز صریحاً گفته است که: ﴿أدعوا إلى الله﴾^۴؛ من هم مردم را به الله دعوت می کنم.

گفتار و رفتار خوب، زمینه فراهم ساختن (أحسن الأقوال)

«احسن الاقوال» در واقع به معنای «احسن السیر»، نه یعنی بهترین حرف! لذا در آنجا که فرمود: ﴿فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾^۵، نه یعنی کسی که حرفش بهتر است! زیرا در این گونه موارد قول، در مقابل فعل نیست. بلکه قول در اینجا به معنای فعلی است که همراه با قول باشد. ممکن است کسی شعار خوب بدهد. این خوب حرف می زند؛ اما خوب عمل کردن، مقوله دیگری است. قرآن کریم مشخص کرد که منظور ما از این قول، قول در مقابل فعل نیست؛ بلکه قول به علاوه فعل است. آن کسی که شعار خوب

۱. سوره نساء، آیه ۱۲۲

۲. سوره نساء، آیه ۸۷

۳. سوره فصلت، آیه ۳۳

۴. سوره یوسف، آیه ۱۰۸

می دهد، حرف خوب می زند، تبلیغ خوب می کند؛ اما در موقع عمل دست و پایش می لرزد؛ او «أحسن القول» ندارد. ﴿مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾؛ یعنی منطقی این باشد.

پیامبر در مورد راه و سیره خود فرمود: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ﴾؛ یعنی من مردم را به الله دعوت می کنم، پس رفتار، سیره و سنت من «أحسن الاقوال» است؛ اما بهره ای که ما باید ببریم این است از این بخش از آیه شریفه است که فرمود ﴿وَمَنْ اتَّبَعَنِي﴾؛ کسانی که همراه من هستند، آنها هم همین کار را می کنند. یعنی کار من را انجام می دهند، لذا به قدری وارسته اند که با سیرتشان، با سنت شان، با رفتار و گفتارشان مردم را به الله دعوت می کنند.

بزرگان معتقدند این که به «الله» دعوت می کنند، بدین سبب است که «الله» اسم اعظم است، و جامع همه اسماء می باشد. برخی هستند که با دعا و طلب مغفرت، مردم را دعوت می کنند. این کار گرچه مفید و پسندیده است اما آنها در واقع مردم را به «رحمان» دعوت می کنند نه به الله. بعضی هستند که سخنان عالمانه دارند، مثل محققان حوزه و دانشگاه؛ کتاب علمی می نویسند، تحقیق علمی می کنند، هدایتگر مردمند، اما آنها هم مردم را به الله دعوت نمی کنند، بلکه به «علیم» دعوت می کنند. کسی که کتاب عمیق علمی نوشته و ما از علمش استفاده می کنیم؛ او ما را به علیم دعوت می کند، او ما را با سواد می کند. اما باید متفطن این نکته بود که با سواد شدن و عالم شدن نیمی از راه است.

آن کسی که ما را عاقل می کند؛ یعنی طوری ما را تربیت می کند که در موقع آزمون، دست و پای ما نمی لرزد، او کسی است که ما را به الله دعوت می کند. این اسم، جامع بین رحمت، علم، قدرت و دیگر اسمای الهی است.

فرمود: من مردم را به رحمان دعوت نمی‌کنم که فقط دعاگو باشند، مردم را هم به علیم دعوت نمی‌کنم که کار حوزه و دانشگاه داشته باشم، من مردم را به «الله» دعوت می‌کنم. یعنی عاقل شدن، عالم با عمل شدن، عامل با فهم شدن، این کار من است؛ شما هم اگر بخواهید راه مرا طی کنید، باید این راه را بیایید. «ادعوا الی الله» نه «الی الرحمان» یا «الی العلیم»! ما هم در همین دعاها، در نمازها می‌گوییم: راهی که به دیگران نشان دادی، آن راه را به ما هم نشان بده.